

بسمه تعالی



نهضت آزادی ایران  
تاسیس ۱۳۳۰

۱۹۰۰

۱۳۸۳/۱۰/۳

### اطلاعیه

## شکایت از روزنامه‌های کیهان و همشهری

روزنامه‌های کیهان و همشهری مطالبی خلاف واقع و کذب نسبت به آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی ایران چاپ کردند، اما حاضر نشدند بر طبق ضوابط قانون مطبوعات توضیحات ایشان را به رغم پیگیری‌های انجام شده چاپ کنند. در نتیجه توسط وکیل ایشان، آقای سیدمحمدعلی دادخواه شکایتی تنظیم و به دادستان تهران تحویل داده شد. متأسفانه با وجود پیگیری‌های صورت گرفته، دادگستری تهران تا کنون هیچ گونه اقدامی در رسیدگی به این شکایتها انجام نداده است. بنابراین عین مطالب به شرح زیر جهت هموطنان عزیز منتشر می گردد:

- ۱- نامه مورخ ۸۳/۵/۱۲ آقای دکتر یزدی به سردبیر و مدیر مسئول روزنامه کیهان
- ۲- نامه مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۴ آقای دکتر یزدی به دادستان تهران، مجتمع قضائی کارکنان دولت، قسمت مطبوعات
- ۳- نامه شماره ۱۸۸۳/۱ مورخ ۱۳۸۳/۷/۵ آقای دکتر یزدی به مدیرمسئول و سردبیر روزنامه همشهری
- ۴- نامه شماره ۱۸۸۳/۲ مورخ ۱۳۸۳/۷/۷ آقای دکتر یزدی به مدیرمسئول و سردبیر روزنامه همشهری
- ۵- نامه مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۴ آقای دکتر یزدی به دادستان تهران، مجتمع قضائی کارکنان دولت، قسمت مطبوعات

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

## به نام خدا

اعدلوا هواقرب للتعوي

سر دبیر و مدیر مسئول محترم روزنامه کیهان

با سلام

روزنامه کیهان در شماره ۱۸۰۰۲ — مورخ ۱۳۸۳/۵/۴، صفحه ۱۲، مقاله‌ای به قلم مجتبی زارعی با عنوان «در حاشیه اشک تمساح روزنامه شرق برای جانبازی آغاجری — وصله دفاع از میهن به تن هُضت آزادی نمی چسبید» چاپ نموده و در آن نسبت‌های ناروا و همت‌های بی‌اساسی به اینجانب و دوستانمان وارد ساخته است. بدین وسیله درخواست می‌شود جوابیه زیر بر طبق قانون مطبوعات در آن نشریه به چاپ برسد.

۱ — نویسنده کیهان در مقاله‌ی خود به بند ۴ یادداشت اینجانب تحت عنوان «محاکمه و عقیده»، چاپ شده در روزنامه شرق، مورخ ۸۳/۴/۵، حساسیت و واکنش نشان داده است. اما به جای نقد مطلب یا پاسخ به آنچه در این بند درباره سوابق دکتر آغاجری و مشارکت وی در جنگ و معلولیتش و عدم انطباق او با مواضع دربارہ ایشان، به موضوعات دیگری پرداخته که هیچ گونه ارتباطی با مطالب آن مقاله ندارد. وی با نقل مطالب ناقص و گزینشی از کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» شادروان مهندس بازرگان و مصاحبه‌ها و برخی نشریات هُضت آزادی ایران به بررسی مغرضانه، ناقص و نادرست از مواضع هُضت آزادی ایران درباره جنگ پرداخته است و همت‌ها و دروغ‌هایی نظیر «خیانت»، «تفوذی بیگانه»، «ضد ملت» و «دارای سوابق ننگین ملی‌گرای و وابسته» به اینجانب نسبت داده است که اگر نتواند آنها را ثابت کند، از نظر حقوقی جرم محسوب می‌شود.

نقد یک نوشته بی‌تردید موجب رشد و توسعه سطح آگاهی سیاسی و فرهنگی می‌گردد و اهل خرد از آن استقبال می‌کنند. اما آلوده کردن سخن و قلم به همت‌ها و افتراهای غرض آلود ممکن است به طور موقت نیازهای عاطفی و ذهنی نوجوانان هوادار و پرشور و احساساتی اما بی‌خبر از جهان و تاریخ را ارضاء نماید. اما کمکی به کشف حقیقت نمی‌کند.

۲ — نویسنده در چندین فراز از مقاله مفصل خود، به ما نسبت خیانت داده است. به نظر می‌رسد نویسنده از معنا و مفهوم خیانت اطلاعی ندارد و گرنه به خود اجازه نمی‌داد از این واژه استفاده نماید. خیانت یکی از مذموم‌ترین صفات ناپسند انسانی است که چه در قرآن و حدیث و چه در منابع حقوقی مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته و جرم محسوب شده است. در کتب حقوقی خیانت چنین تعریف شده است: «شخص در آنچه که او را در حفظ و نگهداری آن امین دانسته اند، خیانت ورزد». در قرآن کریم و فقه خیانت شامل «مطلق تعدیات انسان از حد و مرز شرعی و تجاوز به حقوق دیگران و عدم رعایت حق حقیقی و اعتباری و تکوینی پروردگار به انسان می‌باشد». در منابع فقهی ابواب گوناگونی برای خیانت وجود دارد، نظیر باب جهاد، وفاداری به عهد و پیمان‌ها، در مورد اهل زمه، در عقد مساقات، در امانت و غیره. در باب جهاد آمده است که: «لشکریان ارتش اسلام هنگام جهاد با کافران ملزم به پیروی از برخی دستورات اخلاقی می‌باشند و از ارتکاب برخی رفتارهای ناشایست و ضد انسانی و ضد اخلاقی، حتی با دشمن این کافران ممنوع می‌باشد». یا این که: «فرماندهان ارتش اسلام ملزمند نسبت به تعهداتی که با یکدیگر برقرار می‌کنند پایدار مانده و از خیانت و نقض خودداری ورزند، اگر چه ارتش مقابل آنها کافران ملحد یا اهل کتاب بوده باشند» (دایره‌المعارف تشیع جلد ۷) نویسنده با کدام تعریف یا درک از معنا و مفهوم خیانت چنین نسبتی را به اینجانب و دوستان ما در هُضت آزادی ایران زده است. در کدام امانت خیانت کرده‌ام؟ به حقوق چه کسانی تجاوز کرده‌ام؟

قرآن کریم، حق مردم در اداره امور خود را از زمره «امانات» قلمداد کرده است. مفسرین در مورد آیه شریفه: ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها، امانات را مدیریت امور جامعه و مردم می‌داند، که باید به خود مردم واگذاشت. به عبارت دیگر خیانت کار کسانی هستند که حق مردم را به خود آنان واگذار نمی‌کنند. خداوند انسان را آزاد و مختار خلق کرده است. سلب حقوق طبیعی خدادادی انسان، مصداق خیانت است.

۳ — در مورد مواضع هُضت آزادی ایران در مورد جنگ، اگر چه یادداشت مورد اعتراض نویسنده کیهان با نام شخص اینجانب بوده است، با وجود این برخلاف ادعایش که خواسته است: «روایت صادقی از مواضع و عملکرد خط سازش در جنگ هشت ساله تحمیلی علیه ایران» برای جوانان و نوجوانان جدید و بی‌خبر، ارایه دهد، با سر هم کردن مطالب بی‌اساسی در مورد مواضع هُضت آزادی ایران پیرامون جنگ به استناد آنها، اینجانب و دوستانمان را با کلماتی نظیر خیانت و ... محکوم کرده است. بر این اساس لازم است به رد این اتهامات نیز بپردازم.

۳/۱ — به گواهی سر مقالات و یادداشت‌هایی که با امضای اینجانب در طی سال‌ها، در کیهان به چاپ رسیده است، و به گواهی بیانیه‌ها و قطعنامه‌های هُضت آزادی ایران، اینجانب و دوستانمان تجاوز عراق را محکوم کرده و دفاع از کیان مملکت و مقابله با متجاوز خارجی را حق طبیعی ملت ایران دانسته و از آغاز تجاوز عراق به ایران تا فتح خرمشهر، با تمام قوا و امکانات از جنگ دفاعی میهنی حمایت کرده‌ام.

شادروان شهید دکتر مصطفی چمران، عضو شورای مرکزی هُضت آزادی ایران، منتخب کنگره سوم — تیر ماه ۱۳۵۹. پس از حمله عراق، با اطلاع و تایید شورای مرکزی برای تشکیل ستاد جنگ‌های نامنظم به جنوب رفت. همه می‌دانند و تاریخ گواه بر آن است که اگر دکتر چمران به جنوب نمی‌رفت و دانش و تجارب گرانبهای خود را در مورد جنگ‌های غیرمنظم در دفاع مقدس به کار نمی‌گرفت، هیچ شخصیت دیگری که واجد این دانش و تجربه باشد و بتواند جنگ‌های نامنظم را علیه ارتش کلاسیک عراق سازماندهی کند، و به طور موثری از این شیوه بهره‌گیری نماید وجود نداشت. او یکی از قدیمی‌ترین اعضای هُضت آزادی ایران بود. خدایش او را بیامرزد و بر درجانش بیفزاید.

در مورد حمایت از دفاع مقدس در جنگ تحمیلی تا فتح افتخار آمیز خرمشهر، در قطعهنامه کنگره چهارم نهضت آزادی ایران کنگره شهید چمران — آبان ۱۳۶۰ — چنین آمده است که:

«**نهضت آزادی ایران**، جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران را محکوم کرده و آن را بخشی از تحریکات و توطئه‌های ابرقدرت‌ها، به خصوص امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم علیه جمهوری اسلامی ایران می‌داند و دفاع کامل از استقلال و تمامیت ارضی کشور و تجهیز و تمرکز تلاش‌ها و نیروهای ملی را برای پیروزی در جنگ تا اخراج متجاوزین واجب و ضروری می‌داند.»

**نهضت آزادی ایران** با تجلیل فراوان از نیروهای نظامی و سپاه پاسداران و بسیج و نیروهای نامنظم داوطلب و عشایری و با درود بسیار به شهدای حماسه‌افزین کربلای جنوب و غرب پیروزی‌نمایی سپاه اسلام و شکست و نابودی دشمن متجاوز را از درگاه حضرت احدیت مسئلت می‌نماید.

**نهضت آزادی ایران** به مردم قهرمان شهرها و روستاهای مناطق جنگی خصوصاً دزفول و آبادان و اهواز و خرمشهر که علیرغم بمباران‌های هوایی ناجوانمردانه دشمن دلیرانه مقاومت می‌کنند و مایه غرور و افتخار اسلام و ایران شده‌اند درود و سلام می‌فرستد و از مردم فداکار پشت جبهه، در شهرها و روستاها که با کمک‌های ایثارگراانه خود موجبات تقویت جبهه جنگ و ادامه مقاومت رزمندگان اسلام را میسر ساخته‌اند سپاسگزار می‌نماید. بر دولت جمهوری اسلامی است که خدمات صادقانه و راستین همه اقشار ملت را به دور از هر گونه تعصب گروهی پذیرا باشد.

**نهضت آزادی ایران** ضمن ابراز همدردی همه جانبه با آوارگان جنگ رسیدگی هر چه بیشتر دولت و مقامات مسئول را به وضوح این هموطنان عزیز خواستار است و از برادران و خواهران ایمانی در سراسر کشور درخواست می‌کند از این هموطنان با آغوش باز استقبال کنند و در غم و ناراحتی آنان شرکت جویند.»

**نهضت آزادی ایران** معتقد است که:

الف — برای پیروزی در جنگ دولت ایران می‌بایستی به موازات فعالیت‌های نظامی علیه ارتش تجاوزگر عراق، فعالیت‌های شایسته سیاسی را در سطح جهانی در بخش‌های سیاسی، دیپلماسی و تبلیغاتی آغاز نماید.

ب — دولت ایران تنها وقتی باید آتش بس را بپذیرد که با عقب‌نشینی و خروج فوری و بلاقید و شرط تمامی نیروهای دشمن از خاک ایران همراه باشد.

ج — پس از اجرای آتش بس و تخلیه کامل مناطق اشغالی هیئتی برای مذاکرات جهت تعیین تکلیف غرامت خسارات وارده و اختلافات دو کشور معین گردد.

۳/۲ — اینجانب و دوستانمان ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر را نادرست و برخلاف موازین قرآنی و منافع و امنیت ملی می‌دانستیم. و به عنوان وظیفه در قبال ملت و مملکت و رهبری انتقادات و راه‌حل‌های محوری را به کرات، چه در نامه‌های خصوصی به رهبر فقید انقلاب و چه برای شورای عالی دفاع می‌فرستاده‌ام. اگر آن روزها کسانی بودند که به هر دلیل و یا به هر بهانه‌ای، ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر را تایید می‌کردند، و ما را بعلت مخالفت با آن مورد ملامت و یا تعرض و سرکوب می‌نمودند، امروز بعد از گذشت ۱۶ سال از پذیرش قطعهنامه ۵۹۸ و قبول آتش بس و پایان بی‌نتیجه جنگ و میلیاردها دلار هزینه و خسارت و هزاران قربانی و معلول جنگی، هیچ ایرانی منصفی ما را به خاطر مخالفت، اظهارنظر و ارایه راه‌کارهای خروج از بن‌بست جنگ، بعد از فتح خرمشهر ملامت نمی‌کند تا چه رسد نسبت خیانت بدهد.

به موجب اسناد، رهبر فقید انقلاب، با ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر مخالف بود، چه کسانی و با چه اطلاعاتی جنگ را ادامه دادند؟ چه توجیهی دارند؟

متأسفانه جو سیاسی کشور هنوز آمادگی برای یک بحث آزاد و علمی و دور از حب و بغض‌های سیاسی درباره ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر وجود ندارد. اگر چه همه ضرورت آن را احساس می‌کنند. تحلیل‌ها و توجیهات یک طرفه تصمیم‌گیرندگان، مدیران و مجریان جنگ، بعد از فتح خرمشهر در مهر ماه ۱۳۶۱ قانع کننده و پاسخگو نیست.

۳/۳ — در مقاله نویسنده کیهان مطبوعی به نقل از صفحات ۴۹ و ۵۰ قطعهنامه کنگره پنجم نهضت آزادی ایران (مصوب اسفند ماه ۱۳۶۱) یعنی ۵ ماه بعد از فتح خرمشهر آمده است که:

«... هنگامی که مردم صمیمی و با نشاط ما در دفاع از دستاوردهای انقلاب و جلوگیری از اشغال مناطق مختلف به تنبیه متجاوز در خاک دشمن می‌پرداختند و دشمنان نیز، از ترس مجازات خود مبادرت به طرح صلح‌های واهی، بی‌پایه، بی‌پشتوانه و فاقد ضمانت اجرایی از منظر حقوق بین‌الملل می‌نمودند، این امامان مدعی ملی‌گرایی رد طرح‌ها را ناشی از غرور می‌دانستند و به طور صریح همگام با دشمنان ملت و با هزاران طعنه و کنایه اعلام می‌نمودند که جنگ برنامه اصلی جمهوری اسلامی و شغل و هدیی برای ملت حزب‌الله شده است...»

چنین مطبوعی در این قطعهنامه **نهضت آزادی ایران** نیامده است، مطلب مورد استناد در این قطعهنامه (صفحات ۴۹ و ۵۰) در بند ۸ در قبال جنگ به شرح زیر است:

«به موجب آیه کریمه «و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تجوهوا شیئا و هو شر لکم» [بقره/۲۱۶] — چه بسا شما چیزی را ناگوار شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده و چه بسا که شما دوستدار چیزی هستید که در واقع شر و فساد شما در آن

است. [ **هُضت آزادي ايران**، ضربه اوليه ناجوانمردانه ارتش عراق را مصداق «عدو شود سبب خير اگر خدا خواهد» تلقی نموده، همواره از خونسردی، توکل و تصمیم مسئولین و از شهادت ارتشیان و شجاعت‌های پاسداران و نیروهای مردمی (بسیج) تجلیل کرده پایداری و پیروزی رزمندگان را که برجسته‌ترین افتخار و امید تاریخی ایران می‌باشند آرزو نموده است. در عین حال مکرراً پیشنهاد کرده که برای پیروزی در جنگ، دولت به موازات اجرای عملیات نظامی علیه ارتش تجاوزگر عراق فعالیت‌های شایسته مناسبی را در سطح جهانی در بخش‌های سیاسی، دیپلماسی و تبلیغاتی آغاز نماید. به نظر **هُضت آزادي**، بعد از فتح خرمشهر که موفقیت ممتازی در جهت نظامی، سیاسی و اسلامی برای ایران پیدا شده و خصم خود را ناچار دیده بود راه توبه و تسلیم پیشگیرد و همسایگان حاضر شده بودند تضمین‌هایی بدهند، دولت می‌توانست به مصداق آیه کریمه «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم» [انفال/ ۶۲] — اگر (دشمن) به صلح تمایل نشان داد شما نیز تمایل نشان دهید و به خداوند توکل کنید، به درستی که او شنوا و آگاه است]. از فرصت‌های مناسبی که برای اتخاذ و اعمال خط مشی‌های موثر جهت ختم موفقیت آمیز جنگ فراهم شده بود استفاده کرده و مطابق مصالح و منافع ملت ایران اقدام نماید.

اما به دلیل ارزیابی‌های غیرواقع‌بینانه و رویدادهای بعدی به طور مناسب از آن شرایط و فرصت‌ها استفاده نشده است. متأسفانه به مردم خیراندیش هم امکان ابراز نظر داده نشده و حتی با تقاضای مکرر بعضی از نمایندگان مجلس (حدود ۵۰ نفر) برای تشکیل جلسه‌ای غیرعلنی و خصوصی به منظور کسب اطلاع و اظهار نظر درباره مسائل و شرایط جنگ تا این تاریخ موافقت نگردیده است.

اینک نیز با نگرانی از اینکه عاقبت الامر در وضعی مشابه با آزاد کردن آخر وقت گروگان‌ها که موجب از دست دادن شرایط مساعد و امضای عجلانه قرارداد زیانبار با آمریکا (بیانیه الجزایر) شد، قرار نگیریم و انقلاب اسلامی ایران با آن همه شهید و ضایعات دست خالی از معرکه برنگردد، **هُضت آزادي ايران** عقیده دارد با توجه به این که خداوند حکیم و رحیم برای بندگانش، پس از پیروزی و خاموشی فتنه، خواهان سلامت و صلح و امنیت و محیط سازندگی و برکت است چنانچه هنوز هم شرایط مساعد و بسود ایران باشد اقدام عاجل، شرافتمندانه و حق‌طلبانه‌ای برای سرفراز بیرون آمدن از این ابتلای الهی صورت گیرد».

آیا اگر آن روز به توصیه‌های دلسوزانه و مشفقانه ما ترتیب اثر می‌دادند، جنگ به نفع ایران پایان نمی‌گرفت؟  
۴— در خاتمه **اولا** پناه می‌برم به خدا، از شر خناسانی که در گوش دل جوانان و نوجوانان پرشور، به وسوسه و افسون می‌پردازند. **ثانیا** جستجوگران حق را به مطالعه مستقیم اسناد و مدارک موجود، اعم از آنچه با نام و امضای اینجانب، از جمله یادداشت‌های اینجانب در روزنامه کیهان، در همان سال‌ها و یا اسناد **هُضت آزادي ايران** پیرامون جنگ، که در دسترس هستند، دعوت می‌نمایم. با سلام بر آن کس که حق گوید و از تکاپوی خویشتن حقیقت جوید.

دکتر ابراهیم یزدی

۸۳/۵/۱۳

## به نام خدا

### دادستان تهران، مجتمع قضایی کارکنان دولت، قسمت مطبوعات

با سلام، روزنامه کیهان مورخ ۱۳۸۳/۵/۴ طی مقاله‌ای تحت عنوان «در حاشیه اشک تمساح روزنامه شرق برای جانبازي آخاجري — وصله دفاع از ميهن به تن محضت آزادي نمی‌چسبد.» به قلم آقای مجتبی زارعی مطالبی به کلی خلاف و کذب به اینجانب نسبت داده است. اینجانب در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۱۳ طی یادداشتی به روزنامه درخواست کردم تا جواب و توضیحاتم را چاپ نماید. روزنامه کیهان از آن تاریخ تا به امروز، علیرغم پیگیری‌های مکرر، حاضر به چاپ جوابیه نشده است. بنابراین بر طبق قانون از مدیرمسئول و سردبیر روزنامه کیهان به اتهام نشر اکاذیب و قهمت و افتراء شکایت نموده و درخواست رسیدگی می‌نمایم.

با احترام  
دکتر ابراهیم یزدی  
۱۳۸۳/۸/۱۴

رونوشت:

— جناب آقای دادخواه — وکیل قانونی اینجانب

پیوست‌ها:

— کپی روزنامه کیهان مورخ ۱۳۸۳/۵/۴

— کپی جوابیه به روزنامه مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۳

بسمه تعالی



نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۳۰

۱۸۸۳/۱  
۱۳۸۳/۷/۵

#### مدیر مسئول و سردبیر محترم روزنامه همشهری

با سلام روزنامه همشهری مورخ ۱۳۸۳/۷/۴، در صفحه سیاسی خبری را به شرح زیر از قول اینجانب نقل کرده است:  
« باید مانع طرح مونوریل شویم

ما باید به هر ترتیبی که شده است جلوی برخی از کارهای شهرداری و مجلس را بگیریم تا تصویر مثبتی از مجلس، شورای شهر و شهردار آبادگر در اذهان ایجاد نشود.

ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی که دو هفته قبل در جمع اعضای حزب مشارکت این سخنان را می گفت افزوده است: درمورد پروسه انتقال نمایشگاه موفق عمل کردیم و دولت را قانع کردیم باید همین کار را درخصوص مونوریل انجام دهیم زیرا ممانعت از آن باعث می شود اقتدارگرایان در جامعه مطرح نشوند.»

این خبر به کلی دروغ و ساختگی است.

اولاً - اینجانب در جلسه‌ای از اعضای حزب مشارکت حضور نداشته و صحبتی نکرده‌ام.

ثانیاً - در هیچ جلسه یا مصاحبه‌ای درباره مونوریل تهران صحبتی نداشته‌ام.

ثالثاً - در مورد نمایشگاه نیز تا کنون اظهارنظری ننموده‌ام و تماس و ارتباطی هم با دولت نداشته و ندارم تا آنها را به اتخاذ سیاستی یا برنامه‌ای قانع کرده باشم.

رابعاً - تصویر مثبت یا منفی از مجلس هفتم، شورای شهر و شهردار در افکار عمومی پیامد رفتارها و کارنامه‌های خود این نهادها است. اگر جاعل خبر نگران قضاوت منفی مردم در مورد عملکرد این نهادهاست جعل خبر و فرافکنی تأثیری در افکار عمومی ندارد.

بر طبق قانون مطبوعات درخواست می‌شود، این توضیحات در اولین شماره روزنامه همشهری در همان صفحه درج شود. با

تشکر

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران

رونوشت:

- خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها

بسمه تعالی



نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۳۰

۱۸۸۳/۲  
۱۳۸۳/۷/۷

مدیر مسئول و سردبیر محترم روزنامه همشهری

با سلام ضمن تشکر از شما به علت چاپ ناقص توضیح اینجانب در صفحه سیاسی روزنامه همشهری مورخ ۱۳۸۳/۷/۵، اعتراض خود را به حذف عباراتی از تکذیب‌نامه ارسالی به دفتر روزنامه، اعلام می‌کنم. مطابق با قانون مطبوعات شما ملزم به چاپ کامل نامه می‌باشید. در ضمن روزنامه همشهری ادعا کرده است که مدارکی دال بر صحت خبر منتشر شده دارد. به عنوان یک شهروند و با استفاده از حقوق قانونی خویش درخواست می‌کنم تمامی مدارک خود به همراه نامه مذکور را منتشر کنید. با تشکر

دکتر ابراهیم یزدی  
دبیرکل نهضت آزادی ایران

رونوشت:

- روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها

## به نام خدا

### دادستان تهران، مجتمع قضایی کارکنان دولت، قسمت مطبوعات

با سلام، روزنامه همشهری مورخ ۱۳۸۳/۷/۴ در صفحه سیاسی خبری از قول اینجانب به عنوان «باید مانع طرح منوریل شویم» نقل کرده است که به کلی دروغ و ساختگی می باشد.

اینجانب در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۵ طی یادداشتی به روزنامه درخواست کردم تا تکذیبیه اینجانب را چاپ نماید. روزنامه همشهری به جای چاپ کامل تکذیبیه مطلب را به طور ناقص چاپ و مدعی شد که خبرش مستند است. اینجانب ضمن اعتراض به چاپ ناقص تکذیبیه ارسالی، درخواست انتشار اسناد مورد ادعا را نمودم. اما همشهری حاضر به ارایه مدارک خود نشد و بر خبر کذب خود پافشاری کرد. بنابراین بر طبق قانون از مدیرمسئول و سردبیر روزنامه همشهری به اتهام نشر اکاذیب و تهمت و افترا، شکایت نموده و درخواست رسیدگی می نمایم.

با احترام

دکتر ابراهیم یزدی

۱۳۸۳/۸/۱۴

رونوشت:

— جناب آقای دادخواه — وکیل قانونی اینجانب

پیوست ها:

— کپی روزنامه همشهری مورخ ۱۳۸۳/۷/۴

— کپی جوابیه به روزنامه همشهری مورخ ۱۳۸۳/۷/۵